



آفت "منبع زدگی" در تحقیقات تاریخی

علی محمد طرفداری

قضاوت در باره اعمال صاحبان قدرت را بر اساس نوع نگاه مورخ پیشین می‌دانند بدین لحاظ، پاسخ به سوالات فوق در این باره در واقع میزان کارآمدی یا ناکارآمدی این شیوه را از سوی محققان نشان می‌دهد.

مورخین کلاسیک و شاید بتوان گفت تمام صاحب اثران گذشته اعم از ادبا، شاعران، فلاسفه و ... که آثار خود را متناسب با فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زمان خود عرضه کرده‌اند، طبعاً در توضیح واقعیت رویدادها به خاطر ملاحظات و فشارهای سیاسی زمانه خواه ناخواه دست به خود سانسوری و یا توجیه اقدامات ناخوشایند امرا و شاهان زده‌اند.

بنابر این ما عملاً گزارش‌هایی را که حاوی نگاه "مردم" باشد، تقریباً در دست نداریم و آن چه که موجود است، صرف نظر از میزان تاثیر پذیری آنها از فشارهای قدرت‌های سیاسی، به هر حال از صفای‌های سیاسی و فرهنگی زمان خود عبور کرده‌اند. به عنوان مثال اگر ما برای قضاوت در باره دوران پهلوی به آن دسته از منابع آن دوره که از فضای سیاسی رایج زمان خود اثر پذیرفته‌اند، نگاه کنیم، تصویری کاملاً مطلوب از واقعیت آن دوران دریافت خواهیم کرد تا این که به گزارش‌های مردم پیرامون حکومت پهلوی که به دلیل نزدیکی زمان آن دوره قابل دسترسی‌اند، بپردازیم.

در نگاه منابع و تواریخ رسمی آن دوره حکومت پهلوی از مشروعیت، عدالت، خاستگاه مردمی و ملی و دیگر ویژگی‌های مثبت پنگ حکومت برخوردار است اما در مقابل، با توجه به منابع غیر حکومتی که امروزه در دست داریم، این نظر مردم نیز همان بوده است؟! به همین نسبت می‌توان به گذشته‌های دورتر نیز نگاه کرد. به طور اجمال، قتل و کشتار آدمیان، اجحاف و تاراج اموال مردم، دزدی و پنهان کردن حقیقت ظلم و ستم و ... از ویژگی‌های مشترک غالب حکومت‌های جهان در طول تاریخ بوده و باز هم به طور مسلم چنین

معیارهای گذشته و پرهیز دادن از نگاه به گذشته یا عینک‌های امروزی است و نکته موضوع بحث از همین جا شروع می‌شود.

نخستین و مهم‌ترین سؤال این است: درک دوران گذشته در بستر زمانی و مکانی خودش برای مورخان و محققان امروزی که با اصل ماجراها، ده‌ها و صدها سال فاصله دارند و از کیفیت رویدادهای کهن تنها اخباری بعضاً ضد و نقیض به آنها رسیده، چگونه میسر و ممکن است؟ به عبارت دیگر شناخت ماهیت و کیفیت واقعی حوادث تاریخی، به ویژه در ارائه قضاوت بر اساس منابع مکتوب اصلی موجود تا چه اندازه ممکن و معتبر است؟ همچنین می‌باید دانست اطلاعات، نوع نگاه مورخان گذشته و نویسندگان اسناد مکتوب و تحلیل‌های آنان در باره باطن رویدادها از نگاه کدامین طبقه جامعه و کدامین جریان فرهنگی برخاسته و تحت تاثیر چه نوع ملاحظات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوده است؟

مورخان و محققان برای دریافت تصویر رویدادهای گذشته و بازسازی آنها به طور طبیعی به اسناد و منابع گذشته رجوع می‌کنند و برای قضاوت کردن، بعضاً این رویکرد را تنها شیوه درست در سنجش قضایا دانسته و تنها ملاک درست برای

روخوانی صرف اسناد و به ویژه تواریخ سلطنت محور و طبیعی انگاشتن اتفاقات غیر تمدنی ناشی از استبداد و کسب منابع اقتصادی از سوی قدرت‌های سیاسی و نظامی، با پیروی از تحلیل صاحبان قدرت و مورخان را می‌توان آفت "منبع زدگی" در تحقیقات تاریخی دانست

قضاوت در تاریخ، انواع قضاوت، معیارهای قضاوت و این که آیا اساساً مورخان امروزی حق قضاوت در باره گذشته را دارند یا خیر، یکی از جدی‌ترین و بحث برانگیزترین موضوعات مباحث "فلسفه تاریخ" و "روش تحقیق در تاریخ" به شمار می‌روند اجماع غالب مورخین و محققین تاریخ در این باره این است که مورخان چندان حق قضاوت در باره گذشته را ندارند و وظیفه آن‌ها بیشتر توصیف گزارش، بازسازی رویدادهای گذشته بر اساس اسناد و مدارک اصلی و پرهیز از اظهار نظر شخصی و یا ارزش گذاری در مورد افراد و وقایع تاریخی گذشته است. اما در عین حال همه مورخان می‌دانند زمانی که پای تجزیه و تحلیل وقایع دیروزین و ارائه فرضیه در باره علل بعضی حوادث به میان می‌آید، "قضاوت" اندک یا زیاد، جزیی لاینفک از تجزیه و تحلیل رویدادها خواهد بود. به همین دلیل موضوع بعدی‌ای که به ناگزیر مطرح می‌شود معیارهای قضاوت و ارزش گذاری در باره بزرگی، درستی یا نادرستی، خوبی یا بدی و انسانی یا غیر انسانی بودن اعمال گذشتگان و بخصوص حکام و شاهان است.

البته از نظر نگارنده قضاوت کردن از سوی مورخان و محققان به خوبی خود نا صریح نیست و نمی‌توان مورخان را تنها به خاطر مورخ بودن از قضاوت بر اساس نتایج تحقیقات بازداشت، بنابر این تنها موضوع مهم در قضاوت، قدرت درک صحیح واقع گذشته و منطبق استدلال نهفته در قضاوت و وابسته به شرایط زمانی و مکانی افراد و حوادث زمان‌های پیشین است که مجموع آن را قضاوت بر اساس "منطق درونی" نام نهاده‌اند و می‌توان در کنار آن توجه به ارزش‌های همیشگی انسانی را نیز لحاظ کرد.

به این ترتیب مهم‌ترین نکته‌ای که به هنگام قضاوت تاریخی مطرح می‌شود و به عبارتی مهم‌ترین و ضروری‌ترین معیار قضاوت، توجه به شرایط زمانی و مکانی هر واقعه و درک گذشته با

اقداماتی همانند امروز مورد تأیید هیچ مردم و وجدان انسانی نبوده است و این که ما گزارش هایی خارج از منابع رسمی و از میان مردم در دست نداریم، دلیلی بر طبیعی بودن چنان اقداماتی توسط فلان شاه نمی تواند باشد. در حقیقت، تمامی اتفاقات ناخوشایند غیرانسانی دوران گذشته به طور ناگزیر تنها به عنوان واقعیت موجود پذیرفته شده بودند، همچنان که امروزه نیز انواع بی عدالتی ها و نا به سامانی ها در سراسر جهان، هیچ کدام مورد تأیید وجدان عمومی جهانی نمی باشند، اما تماماً به عنوان واقعیت موجود پذیرفته شده اند و همه با آن زندگی می کنند.

براین اساس روخوانی صرف اسناد و به ویژه تواریخ سلطنت محور و طبیعی انگاشتن اتفاقات غیر تمدنی ناشی از استبداد و کسب منافع اقتصادی از سوی قدرت های سیاسی و نظامی، با پیروی از تحلیل صاحبان قدرت و مورخان را می توان آفت منبع زدگی در تحقیقات تاریخی دانست. این آفت بیش از آن چه که در تحقیقات تاریخی دیده می شود، گاه به شکلی دیگر، در کارهای تحقیقی محققان

**به طور قطع، قتل و کشتار
آدمیان، اجحاف و تاراج اموال
مردمان، دروغ و پنهان کردن
حقیقت، ظلم و ستم از
ویژگی های مشترک غالب
حکومت های جهان در طول
تاریخ بوده است**

علوم سیاسی و اندیشه سیاسی به چشم می خورد. متخصصان اندیشه سیاسی بعضاً در تولید نظریه در باره دوره های تاریخی گذشته ایران، بدون توجه بنیانی به نقد و خاستگاه منابع، مورخان و سنجش جریان های سیاسی، فرهنگی دوران های پیشین و صرفاً بر اساس داده های منابع تاریخ به تولید و ارائه ساختارهای ذهنی در باره ادوار تاریخ ایران می پردازند. به عنوان مثال بر اساس داده های منابع دوران بعد از اسلام در مورد سلسله های ایران بیش از اسلام، اصطلاحاتی برای آن دوران مطرح می کنند نظیر "اندیشه ایران شهری" یا "اندیشه شاهی آرمانی"

، آن هم بر اساس منابعی که با دوران مورد اشاره صدها سال فاصله دارند و عمیقاً محصول شرایط سیاسی و فرهنگی خاص دوران خود هستند.

اما راه چاره برای گریز از "منبع زدگی" و دریافت بهتر و بیش تر حقیقت از طریق منابع اصلی، توجه به شرایط و جریان ها سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وسیع و خرد (که غالب منابع تاریخی تحت تاثیر آنها هستند) و بنابراین توجه به این موضوعات در کنار ملاحظات سیاسی مورخان، در نقد منابع است.

به عبارتی دیگر مقلداری از حقایق پنهان را از طریق اثبات غیر واقعی بودن برخی از اطلاعات منابع و کشف دلایل و ضرورت ارائه اطلاعات غیر واقعی از طریق توجه به "جریان طبیعی حوادث تاریخی"، شرایط کلی زمان نگارش منابع، مقایسه تطبیقی با اسناد و منابع دیگر و استدلال عقلی می توان دریافت و در کنار اینها می باید به موضوع نقد مورخ هم توجه کرد. مجموع این نکات را می توان "فرا منبع نگری" به معنای دریافت بهتر حقیقت و ارائه قضاوتی نزدیک تر به واقعیت از طریق پشت سر گذاشتن ذهنیت و نگرش مولفان منابع کهن نامید

قالیشویی - رفوگری - خشکشویی مبل - موکت

آژنگ شبانه روزی

به استقبال نوروز درویش

۰۹۳۳۴۸۴۰

۰۹۳۲۸۸۲۰

۰۹۳۵۱۱۹

۰۹۳۳۸۳۴

۰۵۲۰۱۹۴

ستارخان

گیشا

امیرآباد

آریا شهر

شهرک غرب

سرویس سراسر تهران

۶۰۸۲